

مطالعه فرم و موقعیت‌های کاربرد اژدها در قالی‌های صفویه*

وحیده حسامی^۱، شیوا سلطان افغان^۲، حسن هاشمی زرج‌آباد^۳

۱- عضو هیات علمی دانشگاه بیرجند

۲- دانشجوی کارشناسی فرش دانشگاه بیرجند

۳- دانشیار دانشگاه بیرجند

چکیده

در تاریخ فرش‌بافی ایران می‌توان از دوره صفویه به‌عنوان عصر طلایی این هنر در کنار سایر هنرها نام برد. یکی از دلایل شهرت این فرش‌ها، ویژگی‌های طرح و نقش آن‌ها می‌باشد. طرح‌های قالی از خلاقیت و نبوغ هنرمندان این عصر حکایت می‌کند و نقش‌های به‌کاررفته نشانی از مهارت و هنرمندی طراحان آن دوره دارد. در قالی‌های این دوره نقوش متنوعی از قبیل نقوش گیاهی، حیوانی و انسانی به‌کاررفته‌اند که هرکدام از این نقوش معانی و مفاهیم متنوعی را در برمی‌گیرد. اژدها یکی از عناصر حیوانی به‌کاررفته در قالی‌های دوره صفوی است که در فرم‌های متنوع به‌کرات در قالی‌های این دوره استفاده شده است. در مقاله حاضر به روش تحلیلی و توصیفی به بررسی معانی نمادین اژدها و فرم‌های این نگاره در ترکیب‌بندی قالی‌های دوره صفوی پرداخته شده است. همچنین با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، تصاویر قالی‌های دوره صفوی موجود بررسی و بعد از جداسازی نگاره اژدها در آن‌ها، موقعیت و فرم‌های آن مورد ارزیابی قرار گرفته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد بیشترین حضور حیوانات افسانه‌ای در قالی‌های صفوی متعلق به اژدهاست و در اغلب موارد این نگاره در تقابل با سیمرغ قرار دارد و نه در جدال با او. تنوع طرح‌های اژدها به‌گونه‌ای است که امکان استفاده از آن در کلیه بخش‌های قالی‌ها وجود دارد ولی جایگاه این جانور اسطوره‌ای بیشتر در حاشیه و متن قالی‌های مذکور به‌صورت مکرر بوده و کمتر در ترنج مرکزی به‌کاررفته است.

واژه‌های کلیدی: قالی - صفویه - اژدها - طرح و نقش.

-
1. Email: hesami@birjand.ac.ir
 2. Email: sh.soltan.afghany.69@gmail.com
 3. Email: hhashemi@birjand.ac.ir

مقدمه

در تاریخ فرش بافی ایران، قالی‌های دوره صفوی از چنان شهرت و غنایی برخوردار است که می‌توان گفت دوره صفویه باشکوه‌ترین دوره در عرصه قالی‌بافی ایران می‌باشد. این قالی‌ها دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که در ادوار بعدی همواره به‌عنوان الگویی برای هنرمندان بوده و به‌کرات مورد تقلید قرار گرفته است. یکی از این ویژگی‌ها، حضور مکرر نقوش حیوانی و به‌خصوص حیوانات افسانه‌ای و اساطیری در آن‌هاست. از جمله این نقوش می‌توان به نگاره اژدها اشاره کرد که در این دوره بسیار مورد استفاده قرار گرفته است.

اهمیت فرش‌های دوره صفویه و کاربرد فراوان نقش اژدها در آن‌ها، همچنین پراکندگی مطالب ارائه‌شده تاکنون در خصوص این نقش ایجاب می‌کند که پژوهشی جامع و کامل در این امر انجام گیرد، البته علاقه نگارندگان برای آشنایی با این نقوش نیز بر این امر می‌افزاید. در خصوص جایگاه اژدها در ادبیات ایران مقالاتی نگاشته شده است لیکن به استفاده این نقش به‌صورت مجزا در قالی‌ها پرداخته نشده و یا در صورت اشاره به آن به‌صورت ترکیبی با سایر اجزا و عناصر مانند سیمرغ در نظر گرفته شده است. از جمله در مقاله خانم مهناز شایسته‌فر و طیبه صباغ پور آرانی، با نام «مفاهیم نمادین سیمرغ و اژدها و انعکاس آن در قالی‌های صفویه» به این نقش به‌صورت ترکیبی در کنار سیمرغ پرداخته شده است. این نقش در فرهنگ و ادبیات ایران و سایر کشورها مفاهیم و تعاریف متنوع و متفاوتی دارد که در این مقاله به‌صورت اختصار به آن‌ها اشاره می‌شود؛ اما آنچه که مورد توجه نگارندگان است فرم‌های اژدهای به‌کاررفته در قالی‌هاست. این مقاله در نظر دارد با بررسی تصاویر کلیه قالی‌های در دسترس دوره صفوی به استخراج نقش اژدها در آن‌ها پرداخته و بعد از تجزیه و تحلیل آن‌ها انواع فرم‌های به‌کاررفته در قالی‌ها را به همراه جایگاه آن در ترکیب‌بندی قالی‌های صفوی مورد توجه قرار دهد و با توجه به تصاویر، تحلیلی را که از آن‌ها برداشت می‌شود ارائه نماید.

این پژوهش از نظر روش بنیادی و از نظر جنس تحلیلی و توصیفی است و اطلاعات لازم در آن با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مشاهده تصاویر قالی‌ها جمع‌آوری شده است. لازم به ذکر است که بررسی انجام‌شده بر اساس تصاویر موجود از قالی‌های صفوی در دو منبع رؤیای بهشت (هنر قالی‌بافی ایران)، نوشته سید جلال‌الدین بصام و دیگران و سیری در هنر ایران اثر آرتور آپهام پوپ جلد ۶ می‌باشد. از مجموع قالی‌های موجود تعداد ۱۷ قالی با نقش اژدها به‌دست‌آمده است. پس از مشاهده و بررسی، پرسش‌های زیر به‌عنوان سؤالات اولیه مطرح شد:

- ۱) نقش اژدها، بیشتر در کدام قسمت قالی، قرار گرفته است؟
- ۲) فرم، موقعیت و جایگاه قرارگیری نقش اژدها در قالی‌های صفویه چگونه است؟

در پاسخ به پرسش‌های فوق فرضیه‌ای که مطرح می‌شود این است که به دلیل اهمیت نقش اژدها در قالی‌های صفویه، این نقش بیشتر در متن قالی به‌کاررفته است. در دوره صفویه، هنرمند خود را پای بند به تصویر مدل‌های اژدها نمی‌کند، اگرچه فرم‌های اژدها برگرفته از فرم‌های چینی است اما هنرمند طراح فرش مفاهیم آن را با فرهنگ و هنر ایران تطبیق می‌دهد و از آنجایی که در هنرهای اسلامی مثل کاشی‌کاری نقش اژدها در تقابل با سیمرغ با مفهوم مبارزه شر و خیر آمده می‌توان احتمال داد که در قالی نیز نقش اژدها بیشتر نشان‌دهنده موجودی شر باشد.

واژه اژدها

واژه اژدها که در فرهنگ دهخدا (۱۳۳۰، ج ۵: ۲۰۰۱) مترادف با ماری بس بزرگ آمده است؛ در فارسی به صورت‌هایی دیگری همچون «اژدر»، «اژدرها»، «اژدهاک» و حتی گاهی «تنین»، «تعبان» و «هستبهر» نیز دیده می‌شود، ماری عظیم با دهان فراخ و گشاده و همچنین به معنی شجاع و دل‌آور است (رستگار فسایی، ۱۳۷۹: ۵).

موجودی است اساطیری به شکل سوسماری عظیم با دو پر

که از دهانش آتش می‌افکنده و از گنج‌های زیرزمین پاسداری می‌کرده است (معصومی، ۱۳۹۱: ۵۶۸).

در جایی به شکل مارغول پیکر فلس‌دار، با بال خفاش مانند، نفس آتشین و دم نازک نیز مجسم می‌شود. (موسوی، ۱۳۸۶: ۷۷۷)

نماد اژدها در فرهنگ‌های مختلف

اژدها از روزگاران کهن در اساطیر اقوام و ملل تجلی داشته است. در اساطیر بابلی، مردوخ به علت کشتن اژدهایی ازلی به نام تیامت - که الهه هیولای آشفتنگی روز ازل است - ستوده شده است (یاحقی ۷۵: ۱۳۸۶-۷۶). نبرد با اژدها و اژدها کشی همواره یکی از محوری‌ترین اصول پهلوانی و قهرمانی در میان اقوام و ملل جهان بوده است. در میان اقوام هند و اروپایی اسطوره مبارزه قهرمانان با یک نیروی شیطانی، پدیده‌ای بسیار چشمگیر است، تا آنجا که یکی از مشخصات اساطیر آریایی آن است که پهلوان در یکی از ماجراهای خود با اژدها روبه‌رو می‌شود و به پیکار با او می‌پردازد. برای مثال داستان «فریدون و ضحاک، ایندره و ورترا، هرقل و هیدرا، زیگفرید و فافنر، بیوولف و گرندل نمونه‌هایی از چند روایت مشهور هند و اروپایی این اسطوره‌اند» (سرکاراتی، ۱۳۸۵: ۲۳۰).

در فرهنگ چین، اژدها نماد فغفور (لقب پادشاهان چین) و مظهر یانگ، یعنی اصل مذکر و آسمان است (دانش‌پور پرور، ۱۳۷۶: ۶۹۱). اژدها در چین مقدس بوده و پرستش می‌شده است؛ زیرا او را بخشنده آب و باران می‌دانستند. او همیشه با رعد و برق، ابر و باران و تگرگ همراه است. به عقیده برخی، اژدها در چین از تمساح نشات گرفته است و مانند تمساح با آب در ارتباط است. اژدها در زمستان به زیر زمین می‌رود که در این صورت نمادی از پرورش و رویش گیاهان طبیعت می‌شود. اژدهای آسمانی چین، نماد ابر سیاهی است که وقتی خشمگین می‌شود زمین را از باران خود محروم می‌کند؛ اما وقتی خیرخواه می‌شود، آب‌هایی را که در شکم خود دارد فرومی‌ریزد و زندگی بخش می‌شود (بری، ۱۳۸۵: ۸۵).

اژدهای چینی نماد امپراطوری، انرژی مردانه و باروری است. حیوانی بی‌آزار که در صور فلکی چینی پنجمین موجود است. او از شرق محافظت می‌کند و نماد طلوع آفتاب، بهار و باران است و در واقع باران شدید معروف به باران اژدها است. اژدها از ویژگی‌های چهار عنصر زمین، هوا، آتش و آب تشکیل شده است. سمبل نور و تاریکی، خورشید و ماه، مذکر و مؤنث و اتحاد اساسی بین این نیروهای متضاد است (میت فورد، ۱۳۸۸: ۳۴).

بنابراین مفاهیم اژدها در فرهنگ چینی نماد خیر و برکت و سلطنت و قدرت به شمار می‌آید و موجودی مقدس و قابل احترام است؛ اما در فرهنگ سایر ملل اژدها نماد موجودی شر و اهریمنی است که اغلب قهرمانان طی مبارزه با آن به مقامی بس بزرگ نائل می‌آیند.

همچنین در اساطیر هند ورترا، اژدهای هراس‌انگیزی است که آب‌های زمین را یکجا نوشید و در شکم خود محبوس کرده است، به طوری که قحطی و خشکسالی جهان را فراگرفت (شایگان ۱۳۴۶: ۶۵-۶۶). ملاحظه می‌شود تعبیری که از این موجود در فرهنگ هند شده است در مقابل روایت چینی آن قرار می‌گیرد. در هند، ایندرا خدای جنگ و پیروزی به مبارزه با ورترا می‌رود. او با سلاح خود، «واجره»، بر اژدها پیروز می‌شود و به زندگی خاکی، هستی و طراوت می‌بخشد. (همان: ۶۶)

در بعضی از داستان‌ها نیز، اژدها رباینده دختران است و پهلوان، پادشاه یا ایزد با کشتن اژدها، دختر یا دختران را از بند می‌رهاند و گاه با آن‌ها ازدواج می‌کند و یا انتقام خونشان را می‌گیرد. در این طرح داستانی که سابقه هند و اروپایی دارد؛ اژدها یا عاشق و خواستار زنان و دختران است، یا آن‌ها را می‌رباید و یا می‌بلعد. بن‌مایه دختر خواهی و دختر ربایی اژدها محتملاً نشان‌دهنده جنبه نرینه این موجود در معتقدات و روایات اساطیری، حماسی و عامیانه است (مصفی، ۱۳۸۱: ۶۹۳). اژدها در غرب به‌طور کلی نشانه شیطان است و به همین جهت در هنر عیسوی، اژدها به‌وسیله مریم عذرا در نقش بکرزایی، زیر پای او له می‌شود (هال، ۱۳۸۰: ۲۱-۲۴).

اژدها در فرهنگ و ادبیات ایران

در ایران باستان، مانند دیگر کشورهای کهن همچون بابل، چین، مصر و هندوستان روایات بدیعی درباره اژدها رواج داشته و دارد. به نظر کویاجی صاحب کتاب *بنیادهای اسطوره و حماسه ایران*، اژدها نشانه ددمنشی و دیو خوبی است (کویاجی، ۱۳۸۰: ۲۲۴).

در اساطیر ایرانی آمده که اهریمن پس از اینکه مدت سه هزار سال از بیم گیومرث یارای مخالفت با اورمزد را نداشت به تحریک جه- دیو مؤنث و نماینده زنان، بر اورمزد شورید و چون اژدهایی از زمین برآمد و با تمامی دیوان به پیکار نور شتافت (یاحقی ۱۳۸۶: ۷۵-۷۶).

در اوستا اژدها شخصیت دیوی دارد که به ایران می‌تازد، بر جمشید فائق می‌شود و پس از یک هزار سال سلطنت بد، سرانجام از فریدون شکست می‌خورد و به دست وی در کوه دماوند زندانی می‌شود (بهار، ۱۳۶۲: ۱۵۳).

اژدها در اسطوره‌های ایران باستان نیز موجودی اهریمن‌خو و بدکار است. نام اژدها در اوستا، جزء خرفستران ذکر شده و از پدیده‌های اهریمنی است. «اژی» در اوستا و «اهی» در سانسکریت به معنای مار است. «اژی» در اوستا چندین بار با واژه «دهاک» آمده است. ترکیب «اژی دهاک» هم به معنای اژدها و هم به معنای ضحاک آمده است (رستگار فسایی، ۱۳۷۹: ۶). همچنین گندرو در اوستا، اژدهایی نام‌آور است که گرشاسپ مطابق آبان‌یشت پس از قربانی و نذر در کنار دریای پیشینه، موفق می‌شود در جنب دریای فراخکرت، آن را که معروف به زرین پاشنه بود نابود کند (یشت‌ها، کرده ۱۰: ۳۶-۳۸).

اژدها در ادبیات فارسی با اشکال و مظاهر متفاوتی نمایان شده است. در روایات حماسی و داستان‌های عامیانه، مظهر بلا، خشک‌سالی و شر است. قهرمان با از میان بردن او نعمت آسایش را به مردمان بازمی‌گرداند (پاکباز، ۱۳۸۵: ۹۶۸). تنها در یکی از داستان‌های حماسی ایران (پایان زندگی بهمن فرزند اسفندیار) که با صورت‌های گوناگون نقل شده است، برای

نخستین بار یکی از قهرمانان منظومه‌های حماسی ایران در نبرد با اژدها کشته می‌شود.^۱ گرشاسب برای آزادی آب‌ها با اژدها می‌جنگد و رستم با اژدها نبرد می‌کند و او را شکست می‌دهد، گشتاسب با اژدهای رومی می‌جنگد، اسفندیار با اژدهایی در توران زمین نبرد می‌کند و سپس ارجاسب تورانی را که در نقش اژدها خواهران او را اسیر کرده بود می‌کشد و اردشیر با هفتواد که نوعی اژدهاست می‌ستیزد، درباره بهرام گور، بهرام چوبین و اسکندر و دیگران نیز داستان‌های اژدهاکشی روایت شده است (رستگار فسایی، ۱۳۷۹: ۱۳-۵۹-۲۰۸-۲۵۹).

اژدها در شاهنامه، در قالب ضحاک ظاهر می‌شود. در داستان ضحاک، سیری‌ناپذیری و حرص و آز ضحاک، نمادی از نفس است. این جانور عظیم و فراخ دهان و بسیار دندان، همان‌طور که اشاره شد در بسیاری از داستان‌های اساطیری به‌عنوان مظهر شر حضور می‌یابد و تقریباً در همه موارد، قهرمان داستان بر او پیروز می‌شود. به‌عنوان نمونه، در شاهنامه نبرد رستم یا اسفندیار با اژدها یکی از مراحل هفت‌خان را شامل می‌شود. نبرد قهرمان اژدها به تعبیر یونگ، می‌تواند نمایانگر کشمکش انسان باشد برای نیل به خودآگاهی و «پیروزی من خویش بر گرایش‌های واپس‌گرایانه» که در ناخودآگاه ذهن پنهان شده است (یونگ، ۱۳۸۷: ۱۷۶).

اژدهایانی که در شاهنامه از آنان سخن رفته در گوشه‌های مختلف جهان می‌زیسته‌اند: سام اژدهایی را در ایران می‌کشد، رستم در مازندران، اسفندیار در توران، بهرام چوبین در چین و... اژدها در اساطیر و قصه‌ها تا بدانجا اهمیت دارد که کشندگان آن. فریدون نخستین اژدهاکش شاهنامه است (اژی دهاک)، سام کشنده اژدهای کشف‌رود، رستم کشنده اژدهای خان سوم، اسکندر و اژدهای گاوکش و... (صباغ پور آرانی، ۱۳۸۸: ۱۰۰).

از تعبیر دیگر اژدها که در برخی از داستان‌های تمثیلی و نمادین به‌کاررفته، مفهوم مرگ است. نمونه آن رساله الطیور نجم‌الدین رازی است. مضمون این رساله، سفر مرغ‌دل است به درگاه حضرت سلیمان به‌منظور دادخواهی از عنقای مُغرب،

گره در گره توصیف شده است (اسدی، ۱۳۱۷: ۵۴-۵۳). بنا بر بسیاری از روایات و اسطوره‌ها اژدها در ایران نماد شر و اهرمین است و نماد مرگ، خشک‌سالی و دوزخ و سمبل نفس اماره به شمار آمده است. اژدها کشی در فرهنگ ایرانی نماد شایستگی و سزاواری پهلوانان در امر پهلوانی است.^۲ در روایات اسلامی اژدها دو چهره کاملاً متضاد دارد. گاهی در چهره موجودی دشمن‌خو و زمانی در سیمای آفریده‌ای یزدانی آشکار می‌شود که نمونه آن اژدها شدن عصای موسی است که در روایات عارفانه نیز این‌چنین است (رستگار فسایی، ۱۳۷۹: ۱۵-۲۶۵-۲۸۰).

در قرآن مجید از اژدها، هم به‌صورت ثعبان و هم به‌صورت حیّه (مار) سخن رفته است. مطابق روایات و بنا بر آنچه قرآن کریم اشاره کرده (اعراف ۱۱۷ و شعرا ۴۵)، حضرت موسی (ع) به امر خداوند عصایش را می‌اندازد. عصا ناگاه به‌صورت اژدهایی درمی‌آید و هرچه جادوگران بافته بودند فرومی‌خورد و باز به امر خداوند، اژدها در دست موسی (ع)، به‌صورت عصا درمی‌آید (نجاپور جباری: ۸).

فرم‌های اژدهای به‌کاررفته در قالبی‌های صفوی

بر اساس تصاویر جدول یک می‌توان انواع فرم‌های اژدهای به‌کاررفته در قالبی‌های صفوی را مشاهده کرد. تنوع طرح اژدها نشان‌دهنده مهارت هنرمند در پرداخت به موضوعی است که اگرچه در واقعیت با آن مواجه نشده است اما ذهن خلاق او می‌تواند این موجود را در فرم‌های متعدد طراحی نماید. اکثر فرم‌های اژدها به‌صورت موجودی با بدن ماری شکل ترسیم‌شده‌اند که دارای یک جفت دست و پا می‌باشد. در برخی موارد نیز بدن شبیه سوسماری بزرگ یا تمساح مانند است که در این مورد طول بدن کوتاه‌تر از نمونه‌های ماری شکل است. دهان باز و در حال نعره‌زدن نشان داده‌شده است و در اکثر موارد بدن اژدها دارای تزئیناتی شعله‌سان می‌باشد که روی شانه‌ها قرار گرفته است. فقط در یک مورد (ردیف ۱۳ جدول ۱) اژدها بال‌دار ترسیم‌شده است. بدن بیشتر اژدهایان

پادشاه مرغان، که از آن‌ها کناره گرفته است. مرغ که نام‌های از سلیمان دریافت می‌دارد تا به نزد عنقا ببرد، در هیئت هددهی آغاز سفر می‌کند و از هفت‌دریا و هفت‌اقلیم می‌گذرد تا اینکه به جزیره‌ای عجیب می‌رسد و می‌بیند که اژدهایی گرد آن حلقه‌زده و هر از گاهی یکی از کودکان بی‌شماری را که در حال بازی‌اند، فرو می‌بلعد، در اینجا اژدها نماد مرگ معرفی شده است (پور نامداریان، ۱۳۸۶: ۴۲۳-۴۲۶).

امام محمد غزالی نیز در کیمیای سعادت می‌نویسد: «عذاب کافر در گور آن است که نود و نه اژدها را بر وی مسلط کنند. دانی که این اژدها چه بود؟ نود و نه مار بود. هر ماری را نه سر بود، وی را می‌گزند و می‌لیسند... این اژدها قبل از مرگ در درون هر انسانی نهفته است و آدمی از آن غافل. این اژدها مرکب است از نفس صفات آدمی و عدد سرهای وی به‌قدر آن شاخ‌ها اخلاق مذموم وی است. اصل طینت آن اژدها از حب دنیاست و آنگاه سرها از وی منشعب می‌شود؛ به عدد آن اخلاق بد که از دوستی دنیا منشعب شود، چون حقد و حسد و کبر و شره و مکر و خداع و عداوت و دوستی جاه و حشمت و غیر آن» (غزالی، ۱۳۸۷: ۱۱۴).

مسعودی نیز در شرح اژدها چنین بیان می‌کند: «اژدها ماری است سیاه که در صحراها و کوه‌ها به وجود می‌آید و سیل و آب و باران آن را به‌طرف دریا می‌راند و از حیوانات دریایی تغذیه می‌کند و پیکرش بزرگ و عمرش دراز می‌شود و چون عمرش به پانصد سال رسید، بر حیوانات دریا غلبه می‌کند» (مسعودی، ۱۳۶۵: ۱۲۰-۱۲۱).

در فرهنگ‌ها (از جمله برهان) از مرد شجاع و دل‌آور، از مرد خشمگین، از پادشاه ظالم عموماً و از ضحاک ماردوش خصوصاً به‌عنوان اژدها یاد شده است (یاحق، ۱۳۶۹: ۷۶).

سیمای اژدها در تاریخ اساطیری ایران، در نهایت سهمناکی، زشت‌روی و پلشتی، چونان جانوری کوه‌پیکر، دم آهنج، آتش کام، دود افکن، دوزخ‌دهن و زهرافشان با موهایی آویزان و کشان، چون کمند، زبانی سیاه و بزرگ، چشمانی پر خون، دندان‌هایی دراز و شاخ مانند، بانگی بلند، تنی پُریشیزه و دُمی



تصویر ۲: نقش اژدها در فرش سراسری جانوری (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۱۸۲)

در اژدهای ایرانی بدن به صورت خال دار و سر از نمای نیم رخ طراحی شده به صورتی که یک چشم حیوان دیده می شود و جزییات کمتری نسبت به اژدهای چینی دارد تزیینات دم حذف شده است و پنجه ها ساده تر هستند. سر بزرگ تر از اندازه معمول است و شاخها تبدیل به تزیین شاخکمانندی در بالای سر شده است و شاخکهای اطراف دهان نیز حذف شده است. بدن با خط منحنی ساده و نرم طراحی شده و درنده خویی اژدهای چینی را ندارد.








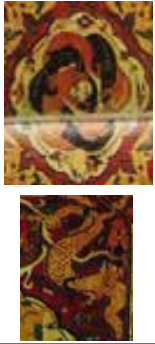




دارای خال های نامنظمی است.

آنچه که قابل توجه است تفاوت در پرداخت نقش اژدها در این قالی ها در مقایسه با اژدهای چینی است. تصویر این حیوان به اشکال گوناگون در حاشیه و متن و ترنج فرش های چینی بافته می شود. در بسیاری از موارد نیز حتی فرم طراحی به گونه ای است که کاملاً متناسب با ابعاد فرش جایگزین ترنج و لچک های فرش می شود (صور اسرافیل، ۱۳۸۲: ۲۲۱). اگرچه فرم کلی اژدها از نمونه های چینی تأثیر پذیرفته است اما تفاوت هایی در پرداخت و تزیین این نگاره در قالی های صفوی دیده می شود که به آن خصلتی ایرانی می دهد به عنوان نمونه در هیچ یک از فرم ها اژدهای صفوی بدن فلس دار طراحی نشده است در حالی که در نمونه های چینی بدن اژدها دارای فلس است (تصویر ۱). اژدهای چینی به صورت موجودی ماری شکل ترسیم می شود که دارای بدنی مضرس است و سر به صورت سه رخ و شاخ دار رسم شده همراه تزیینات شعاعی با جزییات بیشتری پرداخت شده است. علاوه بر زبان، دوشاخک بلند در دو طرف بینی طراحی شده که موجودی صعبناک و درنده خور را نشان می دهد. همچنین قسمت انتهایی بدن اژدها نیز با تزیینات شعله سان ترسیم شده است.



تصویر ۱: فرش ستون با نقش اژدهای چینی (صور اسرافیل، ۱۳۸۱: ۲۳۸)

جدول ۱: مشخصات فرش‌ها و تصاویر اژدهای موجود در آن‌ها

ردیف	ساختار طرح فرش و منبع تصویر	قدمت و محل نگهداری	مشخصات فرم اژدها	آنالیز نقش اژدها	تصویر
۱	سراسری جانوری (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۲۱۳)	اواخر سده ۱۰هـ. موزه برلین	تمساح مانند در حال درگیری با سیمرغ و از دم سیمرغ آویخته شده		
۲	قاب قابی با تصویر انسان (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۲۰۹)	اواخر سده ۱۰هـ. مجموعه دوک بالکو کونیگزبری	۱- دو اژدهای حلقه‌زده ماری شکل ۲- در حال درگیری با سیمرغ		
۳	لچک ترنج جانوری (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۲۰۷)	اواخر سده ۱۰هـ. مجموعه انستیتو دو والنسیا دو دون خوان مادرید	بدن سوسمار مانند و خالدار در حال درگیری با سیمرغ		
۴	لچک ترنج جانوری شکارگاه (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۲۰۶)	اواخر سده ۱۰هـ. مجموعه شاهزاده رومن سانگوژکو	۱- دو اژدهای ماری شکل حلقه‌زده در هم ۲- در حال درگیری با سیمرغ در حالی که دم سیمرغ را به دهان گرفته		
۵	سراسری جانوری (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۱۹۹)	اواخر سده ۱۰هـ. موزه مترو پولیتن	در حال درگیری با غزال در حالی که با حلقه زدن به دور حیوان گلوی آن را به دهان گرفته		
۶	سراسری جانوری (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۱۸۲)	پایان سده ۱۰هـ. اوایل سده ۱۱هـ. مجموعه جان دی	ماری شکل با سر بزرگ و بدن خالدار و شانه‌های شعله‌سان		

		<p>فرم ماری همراه شانه‌های شعله‌سان به صورت متقابل و درجایی در نبرد با سیمرغ</p>	<p>اواخر سده ۱۰ یا اوایل سده ۱۱ هـ.</p>	<p>لچک ترنج جانوری (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۱۶۳)</p>	۷
		<p>سوسمار شکل با شانه‌های شعله‌سان و دهان باز به صورت متقابل و هر دو آماده درگیری با شیری که در گوشه فرش قرار دارد</p>	<p>اواخر سده ۱۰ هـ. موزه ویکتوریا آلبرت</p>	<p>ترنجی گل و گیاهی (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۱۶۲)</p>	۸
		<p>ماری شکل با دهان باز و در حال درگیری با سیمرغ در دو حالت متفاوت</p>	<p>ثلث اول سده ۱۰ هـ. موزه مترو پولتین</p>	<p>قاب قابی (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۱۳۳)</p>	۹
		<p>بدن تمساح مانند و سر شبیه مار و شانه‌های شعله سان در تعقیب حیوانی دیگر</p>	<p>اوایل سده ۱۰ هـ. موزه کلارنس مکساکا</p>	<p>لچک ترنج درختی (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۱۲۸)</p>	۱۰
		<p>فرم ماری شکل در حال درگیری با سیمرغ</p>	<p>ربع دوم سده ۱۰ هـ. موزه باردینسی فلورانس</p>	<p>ترنج و جانوری (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۱۴۴)</p>	۱۱
		<p>فرم ماری شکل در تعقیب حیوانی دیگر</p>	<p>نیمه دوم سده ۱۰ هـ. موزه پولدی پتزولی میلان</p>	<p>ترنج جانوری (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۱۵۴)</p>	۱۲
		<p>بالدار با دم ماری فرم بدن و سر کاملاً متفاوت از سایر نمونه‌ها</p>	<p>۱۲۳۰ هـ ش مجموعه خصوصی</p>	<p>شکارگاه (بصام، ۱۳۸۳: ۲۰)</p>	۱۳

		بدن تمساح مانند و خالدار در حال درگیری با سیمرغ	نیمه اول قرن ۱۰ موزه هنرهای زیبای بوستن	لچک ترنج شکارگاه (بصام، ج ۱، ۵۵:۱۳۸۳)	۱۴
		۱- دو اژدها به صورت متقابل که قابی را در حاشیه تشکیل داده‌اند ۲- در حال درگیری با غزال	سده ۱۰هـ. موزه فرش ایران	سراسری جانوری (دادگر، ۱۳۸۰: ۵۴)	۱۵
		بدن ماری شکل و خالدار در تقابل با سیمرغ و آماده برای درگیری	اواخر قرن ۱۳هـ. موزه آستان قدس رضوی مشهد	ترنج دار (بصام، ج ۱، ۹۸:۱۳۸۳)	۱۶
		فرم ماری شکل و دهان باز	آغاز سده ۱۰هـ. موزه ویکتوریا و آلبرت	قالی ترنج ترنج جانوری (بصام، ۱۳۸۳: ۳۶)	۱۷

موقعیت‌های مختلف نقش اژدها در قالی‌ها اژدها به صورت منفرد

در برخی از قالی‌ها شاهد نقش اژدها به صورت منفرد و آزاد هستیم. اگرچه تعداد این فرم کم است اما نوع پرداخت و شیوه طراحی جالب توجه است. در این نمونه فرش‌ها همواره نقش اژدها در تعقیب حیوانی دیگر (معمولاً سیمرغ) طراحی شده اما هنوز حادثه درگیری این دو حیوان رخ نداده است، حادثه‌ای که بیننده انتظار آن را به زودی می‌کشد.



تصویر ۴: بخشی از فرش لچک ترنج درختی (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۱۲۸)

دو اژدها به صورت متقابل

از فرم بدن اژدها به صورت روبه‌رو و پشت به هم به طرز زیبایی برای لچک‌ها و حاشیه استفاده شده است. در تصویر ۵ فرم بدن دو اژدها به صورت پشت به هم مانند قابی گل‌های شاه‌عباسی را در میان گرفته‌اند. در سایر نمونه‌ها دو اژدها رو به روی هم هستند.



تصویر ۳: بخشی از فرش سراسری جانوری (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۱۸۲)

سیمرغ و اژدها از دیرباز در فرهنگ و هنر و اساطیر ایران نیز حضور داشته‌اند و تنها از هنر چین از جنبه فرم و ظاهر کلی آن برداشت شده است. نقشمایه سیمرغ و اژدها در مواردی به صورت متقابل و یا گرفت و گیر ظاهر شده‌اند. این تقابل و درگیری بیانگر مفاهیم متضادی است که در نهاد و سرشت بشریت و طبیعت نهاده شده و به‌طور کلی مشتمل است به روشنی و تاریکی، نور و ظلمت، خوبی و بدی و اهورایی و اهریمنی؛ به عبارت دیگر تلاش انسان برای فائق آمدن به نفس خویش همواره به شکل نبرد دو حیوان افسانه‌ای چون سیمرغ و اژدها در قالی‌های صفویه تجلی یافته است (صباغ پور آرانی، ۱۳۸۸: ۱۰۰).



تصویر ۸: تقابل سیمرغ و اژدها (صباغ، ۱۳۸۳: ۹۷)



تصویر ۹: گرفت و گیر سیمرغ و اژدها (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۲۰۶)

گرفت و گیر با سایر حیوانات

در برخی نمونه‌ها اژدها در حال گرفتن غزال مشاهده می‌شود، دو نمونه زیر از دو فرش متفاوت کاملاً شبیه به هم تصویر شده‌اند. اژدها با چرخشی به دور حیوان گردن او را به



تصویر ۵: بخشی از قالی سراسری جانوری (دادگر، ۱۳۸۰: ۵۴)



تصویر ۶: بخشی از قالی ترنجی گل و گیاهی (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۱۶۲)



تصویر ۷: بخشی از قالی لچک ترنج جانوری (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۱۶۳)

تقابل و گرفت و گیر اژدها و سیمرغ

اغلب محققان غربی نقوش سیمرغ و اژدها را ملهم و برگرفته از نقوش چینی دانسته‌اند. نقوش مذکور در فرهنگ و هنر چین جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند و تأثیرپذیری هنرمندان ایرانی از این نقوش در قرن دهم و یازدهم (ه ق) (شانزدهم و هفدهم میلادی) با توجه به وجود روابط نزدیک فرهنگی دو کشور پذیرفتنی و توجیه شدنی به نظر می‌رسد. البته نباید تصور شود که این نقوش تقلیدی صرف از هنر چین بوده‌اند. چراکه



تصویر ۱۳: ازدهای پیچان در فرش قاب قابی با تصویر انسان

(پوپ، ۱۳۸۷: ۱۲۰۹)

دندان گرفته است. تصویری که نمونه آن را به ندرت می بینیم.

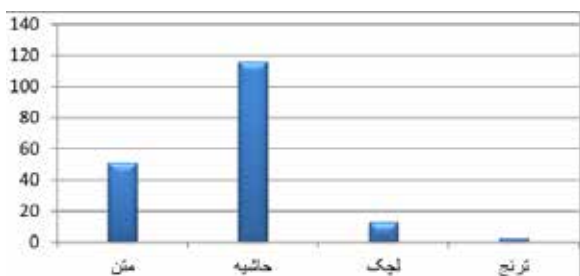


تصویر ۱۰: درگیری ازدها با غزال در فرش ابریشمی حیوان دار موزه

متروپولیتن (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۱۹۹)

جایگاه قرارگیری ازدها در قالیها

تصویر این حیوان به اشکال گوناگون در حاشیه و متن و ترنج فرشها بافته می شود. اگرچه در بسیاری از قالیهای چینی حتی فرم طراحی به گونه ای است که کاملاً متناسب با ابعاد فرش جایگزین ترنج و لچکهای فرش می شود (صویر اصرافیل، ۱۳۸۲: ۲۲۱). اما در نمونه های به کاررفته در قالی صفوی فقط در دو مورد جایگزین لچک شده است و بیشتر به عنوان عنصری فرعی برای تزئین حاشیه و متن به کاررفته است. نمودار زیر میزان کاربرد این نقش را در قسمت های مختلف فرشها نشان می دهد که به دلیل تکرار واگیره در حاشیه از نظر تعداد میزان کاربرد آن بیشتر است ولی از نظر تنوع تعداد ازدهای بکار رفته در متن بیشترین آمار را به خود اختصاص داده است.



نمودار ۱: محل قرارگیری نقش ازدها در فرشها



تصویر ۱۱: گرفت و گیر ازدها و غزال در فرش ابریشمی

موزه فرش ایران (دادگر، ۱۳۸۰: ۵۴)

دو ازدهای حلقه زده

ازدهای به هم پیچیده، یادآور همان مار باستانی است که در پای یکی از درختان کیهانی ایرانیان می زیسته (پوپ، ۱۳۸۷: ۲۷۰۰). فرم بدن آن ها ماری شکل است و یکی از آن ها به صورت خالدار طراحی شده و دیگری بدنی ساده با تزیینات شعله سان دارد.



تصویر ۱۲: دو ازدهای حلقه زده در فرش لچک ترنج جانوری شکارگاه

(پوپ، ۱۳۸۷: ۱۲۰۶)

نتیجه گیری

بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که خاستگاه نقش ازدها

پی‌نوشت‌ها

- ۱- برای کسب اطلاعات بیشتر مراجعه شود به: غفوری، رضا و محمدرضا امینی. (۱۳۹۱)، «پژوهشی در روایت‌های متفاوت مرگ بهمن و کشته شدن او در نبرد با اژدها»، بوستان ادب، سال چهارم، شماره چهارم، (صص: ۱۱۳-۱۳۲).
- ۲- برای کسب اطلاعات بیشتر رجوع کنید به: شایسته‌فر، مهناز و طیبه صباغ‌پور آرنی. (۱۳۸۸)، «مفاهیم نمادین سیمرغ و اژدها و انعکاس آن در قالی‌های صفویه»، نامه هنرهای تجسمی و کاربردی، (صص: ۹۹-۱۱۷).

فهرست منابع

- اسدی، ابونصر علی بن احمد. (۱۳۱۷). گرشاسپ نامه. تصحیح حبیب یغمایی، تهران: کتابخانه بروخیم.
- بری، مایکل. (۱۳۸۵). تفسیر مایکل بری بر هفت پیکر نظامی. (جلال علوی‌نیا، مترجم). تهران: نشر نی.
- بهار، مهرداد. (۱۳۶۲). پژوهشی در اساطیر ایران. تهران: سمت.
- پاکباز، رویین. (۱۳۸۵). دایره المعارف هنر. تهران: نشر فرهنگ معاصر.
- پورنامداریان، تقی. (۱۳۸۶). رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- سرکاراتی، بهمن. (۱۳۸۵). پهلوان اژدر کش در اساطیر و حماسه ایران، تهران: طهوری.
- شایسته‌فر، مهناز و طیبه صباغ‌پور آرنی. (۱۳۸۸)، «مفاهیم نمادین سیمرغ و اژدها و انعکاس آن در قالی‌های صفویه»، نامه هنرهای تجسمی و کاربردی، (صص: ۹۹-۱۱۷).
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۳۰). فرهنگ لغات دهخدا. ج ۵، تهران.
- دانش پور پرور، فخری. (۱۳۷۶). نقش اژدها در هنر معماری ایران. مجموعه مقالات اولین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد ۵، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۷۹). اژدها در اساطیر. تهران: فروهر.
- شایگان، داریوش. (۱۳۴۶). ادیان و مکتب‌های فلسفی هنر. جلد ۱، تهران: امیرکبیر.
- صور اسرافیل، شیرین. ژوله، تورج. (۱۳۸۲). طراحی نقشه فرش. آشنایی

در هنر ایرانی، از هنر چین است و به واسطه روابط اقتصادی و فرهنگی بین دو کشور، وارد فرهنگ و هنر ایران شده است. پدید آمدن ارتباط مستقیم بین ایران و چین از دوره هان تقریباً هم‌زمان با سلسله اشکانی آغاز شده است و یکی از علل تداوم این ارتباط، ورود کالاهای چین به‌ویژه پارچه‌های ابریشمین نقش‌دار بوده که بی‌تردید انتقال این اندیشه را به تدریج در ایران سبب گردیده است (دانشپور پرور، ۱۳۷۶: ۶۶۴). اما طبق مطالعات، بیان این نکته ضروری است که نقوش مذکور از دیرباز در فرهنگ و هنر ایران حضور داشته است و صرفاً استفاده از این نقش و نفوذ آن در قالی‌ها احتمالاً الهام گرفته از هنر چین باشد.

حتی هنرمند ایرانی به تقلید صرف از این نگاره نپرداخته و با توجه به سبک طراحی خود آن را تغییر داده و همگون با سایر نقوش موجود در فرش‌ها ساخته است. این نقش در قالب طرح‌ها و ساختارهای متعدد و در موقعیت‌های مختلفی نشان داده شده، موقعیت‌هایی چون: گرفت و گیر، تقابل و گاهی به‌صورت انفرادی.

طبق آمار به‌دست‌آمده، اژدها در قالی‌های این دوره حضوری فراوان‌تر از دیگر جانوران افسانه‌ای یافته است که در اغلب موارد به همراه نقش سیمرغ و در تقابل آن قرار دارد. این تقابل مفاهیم متضادی را بیان می‌کند که در طبیعت نهاده شده است، تضادهایی همانند: خوبی و بدی- اهورایی و اهریمنی.

بیشترین جایگاه قرارگیری این دو نقش در قالی‌های صفویه اگر بدون تکرار واگیره در نظر گرفته شود، متن است ولی اگر میزان تکرار واگیره را در نظر بگیریم بیشترین کاربرد آن در حاشیه‌ها است.

اژدها از لحاظ فرم در قالی‌های مورد بررسی به‌صورت ماری پر پیچ و خم است با دهانی باز شده که گاهی بدنش از خال‌هایی پوشیده است و گاهی به‌صورت ساده نمایان می‌شود. این مشخصات ظاهری با آنچه در منابع ادبی و اساطیری بیان شده است، مطابقت دارد.

با طرح‌های فرش ایران و جهان ۲، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری شقایق.

• غفوری، رضا. (۱۳۹۱). پژوهشی در روایت‌های متفاوت مرگ بهمن و کشته شدن او در نبرد با اژدها. *مجله بوستان ادب*. دانشگاه شیراز، سال چهارم، شماره چهارم، (صص، ۱۱۳-۱۳۲).

• غزالی، امام محمد. (۱۳۸۷). *کیمیای سعادت*، جلد ۲، تصحیح احمد آرام، گنجینه، تهران.

• کویاجی، جهانگیر. (۱۳۸۰). *بنیادهای اسطوره و حماسه ایران*. تهران: نشر آگه.

• مصفی، ابوالفضل. (۱۳۸۱). *فرهنگ اصطلاحات نجومی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

• میت‌فورد، میراندا بروس. (۱۳۸۸). *نمادها و نشانه‌ها در جهان*. (ابوالقاسم دادور و زهرا تاران، مترجم). تهران: انتشارات کلهر، دانشگاه الزهرا (س).

• موسوی بجنوردی، کاظم. (۱۳۸۶). *دانشنامه ایران*. جلد ۲، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

• معصومی، غلامرضا. (۱۳۹۱). *دایره‌المعارف اساطیر و آیین‌های باستانی جهان*. جلد ۲، تهران: انتشارات سوره مهر.

• مسعودی، علی ابن حسین. (۱۳۶۵). *مروج الذهب*. جلد ۱، ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

• نجارپور جباری، صمد. *مفاهیم عرفانی و اسلامی در نقشمایه‌های قالی‌های دوره صفوی ایران*.

• هال، جیمز. (۱۳۸۰). *فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب*. (رقیه بهزادی، مترجم). تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.

• یشتها. (۱۳۴۷). گزارش پوراوود، جلد ۲، تهران: دانشگاه تهران.

• یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۶۹). *فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی*. تهران: سروش.

• یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۸۷). *انسان و سمبول‌هایش*. (محمود سلطانیه، مترجم)، تهران: جامی.